روس‌ها به فیلم دفاع مقدسی جایزه دادند

گروه ادب و هنر | در آستانه هفته دفاع مقدس، فیلم سینمایی «شیار ۱۴۳» به کارگردانی نرگس آبیار موفق شد تا در جشنواره فیلم «شرق و غرب»، «اروبنرگ» روسیه، جوایز بهترین کارگردانی و بهترین بازیگر زن را کسب کند. «شیار ۱۴۳» پیش از این جایزه ویژه داوران آسیاپاسیفیک را برای بازی مریلا زارعی و همچنین جایزه تماشاگران جشنواره «ریل سیدنی» را دریافت کرده بود. این فیلم که تاکنون در جشنواره‌هایی در کره جنوبی، آمریکا، سنگاپور، هند، استرالیا روسیه، ژاپن و چین حضور داشت در ادامه حضور بین‌المللی خود ماه آینده در جشنواره دیگری در روسیه حضور خواهد داشت. اداره کل تامین برنامه و رسانه بین‌الملل سیما عرضه بین‌المللی فیلم «شیار ۱۴۳» را برعهده دارد.

یادداشت

یادداشتی بر مجموعه داستان «کافه مهاجر» نوشته نغمه دهقانی

واقعیتی تعادل‌ناپذیر

پوریا شریفیان | در «کافه مهاجر» نوشته نغمه دهقانی مانند نام مجموعه، داستان‌هایی حول شخصیت‌های مهاجر است. البته موضوع تمامی داستان‌ها به‌گونه‌ای انتخاب شده که برای هر فرد ایرانی، که حتی هیچ تجربه‌ای از مهاجرت نداشته، قابل لمس باشد. از این حیث، نویسنده برای مجموعه خود جغرافیای داستانی تازه‌ای را انتخاب کرده است؛ جغرافیایی که هرچند سبب ایجاد محدودیت در انتخاب شخصیت‌ها و موقعیت‌های داستان شده، اما از منظر مخاطب داستان‌ها را دچار محدودیت نکرده و هر خواننده‌ای، اعم از مهاجر یا غیرمهاجر توانایی برقراری ارتباط با آنها را خواهد داشت. تمامی داستان‌های مجموعه در فضای واقع‌گرا رخ می‌دهند و نویسنده توانسته است با نگاهی ریزبینانه، که در توصیف و ترسیم فضای داستان دارد، اتفاقات و فضای موجود را برای خواننده ملموس کند. در کل می‌توان گفت نویسنده از پس عناصر سازنده داستان‌ها و سلامت آنها برآمده است. کل مجموعه از دیالوگ‌هایی مناسب برخوردار است که اوج آن را می‌توان در داستان «کافه مهاجر» مشاهده کرد. پرداخت مناسبی در مورد شخصیت و فضا صورت گرفته است و به بیان کلی، عناصر تشکیل‌دهنده داستان از سلامت کافی برخوردارند.

البته به صورت موردی، در برش افقی داستان‌ها، می‌توان به برخی از این عناصر ایرادهایی وارد کرد. برای مثال، سطرها و جملات غیرکاربردی در داستان‌ها، یا نیاز داستان‌های «عابر خیابان جمیرا» و «نخل طلایی» به دیالوگ‌های بیشتر و کاربردی‌تر. اما در این یادداشت – هرچند به صورت اجمالی – بحث بر سر موضوع دیگری است. موضوعی که به‌ویژه در داستان‌هایی که در فضای واقع‌گرا رخ می‌دهند، به وفور به چشم می‌خورد. پس از خوانش این مجموعه، اقتدار دو داستان «بچه‌ها» و «مسلم» در مجموعه، کاملا مشهود است. فضاپردازی در هر دو داستان به‌ویژه در داستان «مسلم» به حد اعلای خود می‌رسد؛ اما این برتری صرفا به دلیل فضاپردازی مناسب‌تر، طبیعی بودن دیالوگ‌ها، شخصیت‌پردازی یا موضوعاتی از این قبیل نیست، این برتری ریشه در موضوع دیگری دارد.

در داستان «مسلم» با یک وضعیت خاص مواجه هستیم که بالاخص در مقایسه با سایر داستان‌های مجموعه و اتفاقات آنها، وضعیتی ویژه محسوب می‌شود. یک کارگاه خیاطی، چند کارگر با عقاید و ملیت‌های گوناگون، یک جنازه، قیچی خونی و پلیس؛ وضعیتی کاملا بحرانی و حاوی خشونت. در چنین شرایطی است که شخصیت‌های داستان از حالت متعادل روزمره خود خارج شده و مجاز به کنش و واکنش‌هایی پیچیده‌تر می‌شوند. بحران، فرصت را برای بروز تناقض‌ها مهیا می‌کند. چالشی رخ خواهد داد که شخصیت‌ها در مواجهه با آن، ناچارند مورد واکاوی بیشتری قرار گیرند. در این پیچیدگی است که کلمات برای نفوذ به اعماق واقعیت و مفاهیم درگیر با آن، توانا می‌شوند. قیچی خونی، خشونت نهفته در کارگاه خیاطی و وضعیت بحرانی‌ای است که تعادل دروغین روزمره و لایه کشیده شده بر واقعیت را پس می‌زند و اجازه می‌دهد کلمات به انتقال احساسات متعارف، بسنده نکنند و به ریشه احساسات و مفاهیم بپردازند. در فضایی که اوج پیچیدگی آن تنها احساس خستگی و غمی است که میلیون‌ها انسان آن را در جهان لمس کرده‌اند و مشکلی است که هزاران نفر روزانه با آن درگیرند، کلمات به‌شدت محدودیت پیدا می‌کنند و متن درنهایت ابزاری برای لمس و انتقال احساس می‌شود؛ در صورتی که بحران و وضعیت خاص، همانند زمین حاصلخیزی است که زمینه را برای رویش پیچیدگی‌ها، تناقض‌ها و گسترش زیرلایه‌ها مهیا می‌کند.

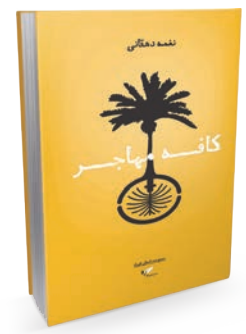

در داستان «بچه‌ها» اتفاق بحرانی‌ای رخ نداده است. داستان با دعوای دو کودک شروع می‌شود؛ اتفاقی بسیار معمولی، اما اقتدار داستان در مجموعه کاملا مشخص است. با ادامه داستان مشخص می‌شود که والدین هر دو کودک، بازمانده یک جنگ هستند و حال هر دو مقیم کشوری دیگر. در داستان اتفاق خاصی رخ نمی‌دهد. هرکدام از این مسائل به صورت مجزا کاملا معمولی محسوب می‌شوند. زن و مردی که در کودکی خود، در کشورهایی زندگی کرده‌اند که در جنگ با یکدیگر به سر می‌برده‌اند، دو کودک خردسال که با یکدیگر دعوا کرده‌اند و مداخله والدین در دعوای کودکان. اما گره خوردن این مسائل در یک زمان کوتاه است که واقعیت را دچار پیچیدگی می‌کند. در این داستان، دیگر بحران زمینه‌ساز پیچیدگی نیست، بلکه یک نگاه غیرمعمول به اتفاقات کاملا معمولی، واقعیت را دچار چالش می‌کند؛ نگاهی که در ساحت داستان جلوه‌گر می‌شود. در خارج از گود و میدان داستان، این اتفاق ماجرایی است بسیار ساده؛ دعوای کودکان و طبق معمول دخالت والدین. اما با به چنگ انداختن آن در ادبیات و نگاهی غیرمعمول و هنرمندانه به آن، واقعیت تعادل خود را از دست خواهد داد و زیر آرامش ظاهری واقعیت، تلاطمی هویدا می‌شود. در دنیای داستان، بخشی از واقعیت، جلوه‌گر می‌شود که در زندگی حقیقی مشخص و مورد توجه نیست. چنین است که درونیات شخصیت‌ها بروز می‌کند و به مفاهیم تاریخی گره می‌خورد و دیالوگ‌ها بار معنایی می‌یابد. دعوای ساده دو کودک به جدال دو کشور و مفهوم جنگ متصل می‌شود؛ بدون اینکه بحران و وضعیت خاصی رخ دهد، پیچیدگی نهفته در واقعیتِ به ظاهر متعادل، در ساحت داستان نمایان می‌شود.

ملموس کردن واقعیت صرف، در ساحت ادبیات رئالیستی، رسالت داستان نیست. از همین رو است که میلان کوندرا می‌گوید: «تاریخ هنر در ستیز با تاریخ بشریت.» واقعیتی که در قالب داستان عرضه می‌شود، متفاوت با واقعیتی است که همگان پیرامون خویش مشاهده می‌کنند و چه‌بسا در ستیز با آن نیز باشد. ستیزی که از جنس اسلحه نیست؛ از جنس به چالش کشیدن مفاهیم است، از جنس نمایان کردن تناقض‌ها و عدم تعادل در ساده‌ترین و معمول‌ترین مسائل. واقعیت مورد عرضه در داستان، تعادل‌پذیر نیست؛ پرچالش، متناقض، ناهنجار است و گاه مفاهیم اصیل را به سخره می‌گیرد و ارزش‌ها را واژگون می‌کند. بی‌سبب نیست که برخی نوشتن در قالب رئالیستی را دشوارتر از هر مکتب ادبی دیگر می‌دانند. دشواری بر سر توصیف و ملموس کردن واقعیت صرف نیست؛ بلکه چالش این است که واقعیتی را که چه‌بسا بارها و بارها رخ داده و خواهد داد، بدون آنکه به امر واقعی آن لطمه‌ای وارد کنیم، به گونه‌ای متفاوت تجلی بخشیم.

خبر

یخ در بهشت خوردن حمید لولایی

حمید لولایی هم بالاخره به بازیگران فیلم یخ در بهشت پیوست و قرار است در این فیلم به ایفای نقش بپردازد. فیلمنامه «یخ در بهشت» کاری از قربان محمدپور است و رهام تربیت بازنویسی نهایی آن را انجام داده و حضور حمید لولایی، رضا توکلی، نفیسه روشن، امیرمحمد زند، حسین کوهستانی، امیر آزاد و مجید محمدی در گروه بازیگران این فیلم قطعی شده است. رسول محمدی، کارگردان فیلم «یخ در بهشت» تاکنون فیلم‌هایی مثل «ارثیه پرماجرا» و «شاهزاده و گدا» را برای شبکه خانگی کارگردانی کرده و حالا هم قرار است فیلم «یخ در بهشت» را با موضوع جوانان و معضل اعتیاد برای پخش در شبکه خانگی تولید کند.

گزارش اول

ابهام در معرفی فیلم به جایزه اسکار ایران همچنان ادامه دارد

مکث تا دقیقه آخر

مجید مجیدی

رخشان بنی‌اعتماد

نرگس آبیار

نیما جاویدی

گروه ادب و هنر | در حالی که تا امروز ۵۳ کشور فیلم‌های خود را به هشتاد و هشتمین دوره جایزه سینمایی اسکار معرفی کرده‌اند و فقط ۱۱ روز تا فرصت نهایی معرفی فیلم به بهترین فیلم غیرانگلیسی جوایز اسکار ۲۰۱۶ باقی مانده، ایران هنوز فیلمی به این جشنواره معرفی نکرده است. سینمای ایران که یکبار با اصغر فرهادی و فیلم «گذشته» توانست اسکار را به ایران بیاورد امسال باز هم به روال سال‌های گذشته درگیر حواشی انتخاب فیلم برای معرفی به این جشنواره است و طیف‌های مختلف خواست‌های مختلفی در این زمینه دارند و گویا بحث آنچنان سینمایی نیست. پارسال هم در روزهای آخر فیلم «امروز» رضا میرکریمی به جشنواره معرفی شد و البته به هیچ موفقیتی دست نیافت. موضوع معرفی فیلم‌ها به اسکار در ایران یک موضوع است و اینکه فیلم به موفقیتی دست پیدا کند موضوع دیگری است که بخشی به ظرفیت‌های سینمایی ایران برمی‌گردد و بخشی دیگر به آنچه از آن می‌شود به خواست‌های غیرمعقول و غیرسینمایی تعبیر کرد. اگر این فرض را در نظر بگیریم که یکی از شرط‌های مهم برای شرکت در اسکار این است که تمامی فیلم‌های متقاضی حضور در بخش بهترین فیلم غیرانگلیسی جوایز اسکار باید بین تاریخ اول اکتبر ۲۰۱۴ تا سی‌ام سپتامبر ۲۰۱۵ در کشورهای مبدا اکران شده باشند به این نتیجه می‌رسیم که چه فیلم‌هایی و با چه استانداردهایی در کشور ما در این مقطع اکران شده‌اند.

«قصه‌ها» که جایزه شیرطلایی ونیز در بخش فیلمنامه را هم به دست آورد، یا «ملبورن» یا «شیار۱۴۳» و «محمدرسول‌الله» که به تازگی در حال اکران است و فیلمی است در قدوقواره‌های جهانی که اتفاقا از اسکاری‌ها هم در آن بهره گرفته‌شده، می‌توانند گزینه‌هایی مناسب برای معرفی به اسکار امسال باشند که البته هنوز شورایی که قرار است این جمع‌بندی را انجام بدهد به نتیجه‌ای نرسیده و اصولا هم معلوم نیست که این شورا شامل چه کسانی با چه طیف فکری است. به هر روی مجید مجیدی با «بچه‌های آسمان» برای اسکاری‌ها شناخته شده است و رخشان بنی‌اعتماد با «قصه‌ها» پیش و گمان می‌رود جدال یا رقابت نهایی بر سر این دو فیلم است و باید دید که در این ۱۱ روز باقیمانده کدام یک از این فیلم‌ها به جشنواره اسکار معرفی می‌شوند. سال پیش ۸۳ کشور فیلم‌های خود را به آکادمی اسکار معرفی کردند و در مراسم اختتامیه این جایزه فیلم «آیدا» به کارگردانی «پاول پاولیکوفسکی» از لهستان موفق به کسب جایزه اسکار فیلم خارجی شد. امسال هم رای‌گیری نهایی جوایز اسکار روز هشتم ژانویه انجام می‌شود و پنج نامزد نهایی بهترین فیلم خارجی اسکار ۲۰۱۶ معرفی خواهند شد. مراسم اختتامیه جایزه هشتاد و هشتمین دوره جوایز سینمایی اسکار ۹ اسفند در لس‌آنجلس برگزار می‌شود.

یادداشت

ادای احترام به برنامه بی‌تکلف

سونامی خنده

علی رزاقی‌بهار
منتقد سینما و تلویزیون

«خندوانه» نام برنامه‌ای است در شبکه نسیم؛ شبکه‌ای که پیشتر کم نام و نشان بود و به لطف برنامه فوق‌العاده خندوانه حالا هم شناخته شده و هم پربیننده است. اما چرا برنامه مجری محور رامبد جوان بر خلاف دیگر برنامه‌های تکراری از این نوع، آن‌قدر خوب، جذاب و پربیننده است، دلایل متعددی دارد. به نظر می‌رسد در نگاه اول سونامی خنده در این برنامه ۷۰ دقیقه به خوبی نگارش، طراحی و اجرا می‌شود و باز هم بر خلاف معمول برنامه‌های دیگر برای لحظه لحظه‌ای که به جعبه جادو می‌آید نگاهی متفاوت، آموزنده و سرگرم‌کننده دارد. رامبد جوان به درستی کارش را با انرژی و با خنده شروع می‌کند و با حس هم‌گرایی و تقویت حس ملی‌گرایی ایرانی تمام می‌کند. حضور کاراکتری عروسکی و بداهه مثل جناب‌خان که تلفیق طنز بداهه و طنز اجتماعی حامل نقد است، قسمت مهم خندوانه است. کافی است همین چند شب پیش این برنامه را با حضور غلامعلی حدادعادل دیده باشید تا به ویژگی رفتار حساب شده جناب‌خان در قالب طنز انتقادی–اجتماعی پی برده باشید. اجرای بدون تکلف و بدون چارچوب‌های معمول رامبد هم باعث شده تماشاچی در برنامه و پای گیرنده به خوبی با او ارتباط برقرار کند و به راحتی لبخند بزند. لبخندی که معمولا کیمیاست و متاسفانه صدا و سیما برنامه خاصی برای خنداندن مداوم و با برنامه مخاطبانش ندارد. البته ابداع این نوع برنامه خنداننده شاید در آینده نقطه عطفی بشود و شاید هم مثل خیلی تک برنامه‌های خوب تلویزیون بایگانی شود که امیدوارم این گونه نباشد و شاهد ساخت برنامه‌هایی با این تم باشیم. مسابقه خنداننده برتر هم یکی دیگر از ایده‌های نو و خوب این برنامه بوده که همچنان با اجراهای خوب هنرمندان طنز به کیفیت خندوانه افزوده است.

هرچند شاید رای مردم در جاهایی بیشتر حمایت و علاقه از یک هنرمند باشد تا نحوه اجرا، اما در ایده‌پردازی و تا حدودی هم اجرای مسابقه کار رامبد جوان کم‌نقص است و باید به او تبریک گفت.

با وجود همه این خوبی‌ها در خندوانه انتقاداتی را هم می‌شود برشمرد که به جهت احترام به مخاطبان، رامبد جوان، جناب‌خان و مدیرانی که کمتر ممیزی کردند، از همه آنها فاکتور می‌گیرم و به خندوانه رامبد جوان نشان خنداننده برتر می‌دهم.

یادداشت

نگاهی به فیلم «چند متر مکعب عشق»

جوگیری!

امیرعلی نصیری
مدرس دانشگاه

فیلم روایت‌کننده داستان پسری ایرانی (ساعد سهیلی) است که در حاشیه تهران و در کارخانه‌ای بین مهاجران افغان کار می‌کند و دلبسته دختری افغان (حسیبا ابراهیمی) است. آنها برای صحبت کردن با هم به انبار متروکه‌ای که پر از کانتینر است، می‌روند. به دلیل اصرار پلیس برای بازگشت مهاجران غیرقانونی به افغانستان، پدر دختر (نادر فلاح) تصمیم به ترک ایران می‌گیرد. پسر برای خواستگاری از مدیر کارخانه کمک می‌گیرد، اما پدر مخالف ازدواج دخترش با پسری ایرانی است... پیش از این، بارها (از جمله در یادداشتم برای فیلم «شیار ۱۴۳») اشاره کرده‌ام که منتقد در مواجهه با یک اثر هنری باید بی‌طرف باشد. اگر بخواهم بی‌طرفانه و بدون در نظر داشتن جشن خانه سینما درباره «چند متر مکعب عشق» نظر بدهم، باید بگویم که فیلم خوب، اخلاقی و انسان‌دوستانه است. اما آیا آنقدر خوب است که یکه‌تاز جشن خانه سینما باشد؟ تکلیف «دوران عاشقی»، «قصه‌ها»، «رخ دیوانه» در سال گذشته و سایر فیلم‌ها از سه سال پیش (آخرین جشن) تا امروز چه می‌شود؟ فیلم‌هایی که جایزه بردند، در نظرسنجی منتقدان یا در آرای مردمی پیشتاز شدند یا به فروش بالایی دست پیدا کردند در کجا قرار می‌گیرند؟ به نظر می‌رسد این فیلم بیشتر به مذاق مخاطبان عام سینما خوش بیاید (به خاطر داستان رمانتیک تین‌ایجری یا پایان تلخش) یا حتی جشنواره‌های خارجی (به‌خاطر نمایش مصائب مهاجران افغان)، ولی اینکه چرا اتحادیه صنوف سینمایی چنین انتخابی کردند، خدا عالم است! امیدوارم مثل دو سال گذشته که هوشنگ گلمکانی فرآیند انتخاب برگزیدگان جشنواره فیلم فجر را به تفصیل بازگو کرد، شاهد چنین اتفاقی نیز در مورد خانه سینما باشیم. خوشحالم که جمشید محمودی (فیلمسازی از کشور همسایه افغانستان) با اولین اثر خود چنین پیشتاز جشن خانه سینما شد. ناگفته نماند که علاقه او به سینمای اصغر فرهادی مشهود است؛ کافی است تا به تلاشش برای ایجاد عمق میدان و بازی با فوکوس و فلو نگاه کنیم. اما اگر استنباط من در داوری اشتباه باشد، او با کارهای بعدی‌اش و کسب تجربه بیشتر آینده بسیار درخشان‌تری خواهد داشت. حرف آخر اینکه، در تمام طول مدت نگارش این یادداشت، کیومرث پوراحمد مدام جلوی چشمانم بود؛ آنجا که در مصاحبه‌ای گفت: «در داوری نباید جوگیر شد.»

تماشا

افخمی بر صندلی «هفت» نشست

مهربانو ابدی‌دوست
m1.abadidost@fdn.ir

اجرا و سردبیری سری جدید برنامه هفت با رویکردی جدید به بهروز افخمی رسید تا شایعات منتشرشده در هفته‌های پیش به واقعیت بپیوندد. انتخاب بهروز افخمی به‌عنوان مجری و تهیه‌کننده مهم‌ترین برنامه سینمایی تلویزیون ایران، این پرسش را مطرح می‌کند که چطور بهروز افخمی به گزینه مطلوب صدا و سیما تبدیل شده است؟

آیا تغییری در دیدگاه‌های کارگردان فیلم سینمایی «شوکران» به وجود آمده که به کمال مطلوب برای صدا و سیما تبدیل شود یا اینکه صدا و سیما درصدد برآمده است با انتخاب بهروز افخمی، اعتماد اهالی سینما را به خود جلب کند؟ بهروز افخمی و سری جدید برنامه «هفت» آیا می‌تواند موجب اتفاقی مانند آن چه رامبد جوان با برنامه «خندوانه» رقم زد، شود؟ این پرسش‌ها در حالی مطرح می‌شود که در هفته گذشته مهم‌ترین جنجال در سازمان صدا و سیما مربوط به استعفای غلامرضا غلامی، مدیر شبکه چهار بود. غلامی با ادبیات تندی علی‌اصغر پورمحمدی، معاون سیما را متهم به طرفداری تمام‌قد از برنامه «هفت» کرده بود. از سوی دیگر مرور بر علت مهم حذف محمود گبرلو از تهیه‌کنندگی و اجرای برنامه هفت یک بار دیگر این پرسش را مطرح می‌کند که بهروز افخمی تا چه اندازه می‌تواند به همه سینمای ایران بپردازد؟ آیا او لااقل به اندازه فریدون جیرانی قادر خواهد بود چهره‌های مستقل سینمای ایران را به برنامه خود بیاورد؟ همان اتفاقی که گبرلو با دعوت از رخشان بنی‌اعتماد، به پایان کار خود رسید. برنامه «هفت» با ایده و اجرای فریدون جیرانی از سال ۹۱ از شبکه سوم سیما پخش شد. این برنامه قرار بود مشابه برنامه «نود» به حوزه فرهنگ و هنر بپردازد. جیرانی نیز بعد از مدت تقریبا دو سال به دلیل ساخت سریالش به نام «تعبیر وارونه یک رویا» که چندی پیش از شبکه اول سیما پخش شد، از کار کناره‌گیری کرد. بعد از جیرانی گزینه‌های زیادی برای اجرا در نظر گرفته شد که محمد خزائی، محمود گبرلو و نادر طالب‌زاده از جمله آنها بودند، اما در این میان قرعه به نام گبرلو افتاد. با این اوصاف قرار شد اجرای برنامه «هفت» را محمود گبرلو به تهیه‌کنندگی خزائی به عهده بگیرد که خزائی از این کار انصراف داد، به همین دلیل گبرلو تهیه‌کنندگی کار را هم به عهده گرفت. قبل از ماه مبارک رمضان امسال بود که حرف و حدیث‌هایی در مورد جایگزین دیگری برای گبرلو شنیده می‌شد که نام فرزاد حسنی در این میان بسیار شنیده می‌شد. گبرلو در واکنش به این موضوع گفت: «شایعه است و کار غلطی است برنامه‌ای که مخاطب دارد را به دیگری بدهند». اما بعد از این شایعات غلامرضا میرحسینی، مدیر شبکه سوم سیما گفت: «نگاه ما به سینما ارزشی است و برنامه‌ای که الان در حال پخش است درخور سینما نیست و ما این برنامه را متوقف می‌کنیم، البته متوقف به معنای ممنوع نیست و کار کارشناسی انجام می‌دهیم.» بعد از توقف تقریبا یک‌ساله برنامه هفت، یکی از خبرگزاری‌ها در یک نظرسنجی آماری اعلام کرد برنامه جدید «هفت» را بهروز افخمی کارگردان «آذر، شهدخت و...» اجرا می‌کند. بلافاصله ناصر کریمان، مدیر اجتماعی شبکه سوم سیما به این آمار واکنش نشان داد و گفت: «اینها برداشت‌ها و گمانه‌زنی‌های سایت‌ها و پایگاه‌های خبری است. تیم کارشناسی شبکه سه درباره مجری برنامه «هفت» و همچنین ساختارهای این برنامه هنوز به جمع‌بندی کاملی نرسیده است. از طرفی تیم سازنده برنامه «هفت» و مجری آن باید از افراد متخصص باشد و سعی ما این است که با انجام کار کارشناسی بتوانیم بهترین انتخاب را داشته باشیم و بهترین برنامه تلویزیونی در زمینه سینما را اجرا کنیم از طرفی تهیه‌کننده و مجری این برنامه باید دو فرد باشند.» اما خبرها حاکی از این است که برخلاف نظر مدیر شبکه گمانه‌زنی‌ها درست از آب درآمده و قرار است بهروز افخمی تهیه‌کنندگی و مجری‌گری سری جدید برنامه «هفت» را برعهده داشته باشد.

سینما

در کوچه‌های عشق

گروه ادب و هنر | همزمان با هفته دفاع مقدس، سینماتک خانه هنرمندان ایران فیلم‌هایی از ابراهیم حاتمی‌کیا، احمدرضا درویش، رسول ملاقلی‌پور، خسرو سینایی و... را از دوشنبه ۳۰ شهریور تا یکشنبه ۵ مهر در خانه هنرمندان ایران به نمایش می‌گذارد. در این برنامه که در تالار استاد ناصری خانه هنرمندان ایران و با مشارکت گروه سینمایی هنر و تجربه برگزار می‌شود، به ترتیب فیلم‌های «دیده‌بان» (ابراهیم حاتمی‌کیا)، «آخرین روزهای زمستان» (محمدحسین مهدویان)، «کیمیا» (احمدرضا درویش)، مجموعه‌ای از فیلم‌های کوتاه با موضوع دفاع مقدس، «سفر به چزابه» (رسول ملاقلی‌پور)، «در کوچه‌های عشق» (خسرو سینایی)، «مدار صفر درجه» و «مُلف گند» (هر دو از مستندهای محمودِ رحمانی) به نمایش درمی‌آیند. نمایش این فیلم‌ها راس ساعت ۱۸ آغاز می‌شود و پس از نمایش فیلم، از ساعت ۱۹:۳۰ جلسات نقد و بررسی فیلم‌ها با حضور کارگردان یا عوامل و منتقدان سینمایی برگزار خواهد شد.

سینما

مجموعه آثار رسول صدرعاملی رونمایی می‌شود

گروه ادب و هنر | رسول صدرعاملی دوشنبه ۳۰ شهریور ساعت ۱۸:۳۰ به موزه سینما می‌رود تا در مراسم رونمایی آثارش از سوی موسسه رسانه‌های تصویری شرکت کند. این مجموعه شامل ۱۳ فیلم خونبارش (۱۳۵۹)، رهایی (۱۳۶۱)، گل‌های داودی (۱۳۶۳)، پاییزان (۱۳۶۶)، قربانی (۱۳۷۰)، سمفونی تهران (۱۳۷۷)، دختری با کفش‌های کتانی (۱۳۷۷)، من ترانه پانزده سال دارم (۱۳۸۰)، دیشب باباتو دیدم آیدا (۱۳۸۲)، شب (۱۳۸۵)، هر شب تنهایی (۱۳۸۶)، زندگی با چشمان بسته (۱۳۸۹) و مستند مساحت زندگی (۱۳۹۲) می‌شود که از این میان تهیه‌کننده فیلم «خونبارش» به کارگردانی امیر قویدل بوده است. موسسه رسانه‌های تصویری پیش از این نیز مجموعه آثار کارگردانانی همچون رسول ملاقلی‌پور، مسعود کیمیایی، ابراهیم حاتمی‌کیا و کیومرث پوراحمد را تهیه کرده بود.

سینما

خندوانه در رقابت و حاشیه

عکس: ژوله

گروه ادب و هنر | اجرای استندآپ کمدی امین حیایی و امیرمهدی ژوله هم بالاخره تمام شد و رای‌گیری برای این رقابت همچنان ادامه دارد. کمی بعد از تمام شدن اجرای حیایی آرای او به ۵۲ هزار عدد رسید، این در حالی که امیرمهدی ژوله ۴۰ هزار رای داشت و از این رقابت عقب افتاده بود. اما این آمار به هیچ عنوان نمی‌تواند آمار نهایی باشد، به این دلیل که طرفداران ژوله آنچنان تبلیغ می‌کنند که به هیچ چیز جز پیروزی در این انتخاب راضی نیستند. از حاشیه‌های این استندآپ کمدی هم این بود که خواننده رپ «امیر تتلو» و «رضایا» به صحبت‌ها واکنش نشان دادند و اعلام نارضایتی ضمنی کردند.